راز قتل باران کوچولو در دفترچه خاطرات پدرخوانده

■ آرمین بینا

تحقیقات پلیس پایتخت درباره قتل دختربچه خردسال که جسدش داخل یخچال خانه کشف شده‌بود با کشف دفترچه خاطرات پدرخوانده مقتول وارد مرحله‌ای تازه شد.

روز شنبه سی‌ام مهرماه امسال، مأموران کلانتری ۱۷۲ شهرری برای دستگیری مرد موادفروشی به نام کامبیز به خانه او رفتند. بررسی‌های مأموران در همان ابتدا نشان داد مرد قاچاق فروش با دیدن مأموران پلیس از پنجره خانه فرار کرده‌است و همسرش هم در خانه نیست.

مأموران پلیس که همراه خود سگ موادیاب برده‌بودند، در طبقه اول ساختمان مقداری مخدر تریاک کشف کردند. در حالی که بازرسی خانه ادامه داشت، سگ موادیاب مقابل یخچال خانه که دور آن چسب کاری شده‌بود، شروع به پارس کرد و بدین ترتیب مأموران پلیس به یخچال مشکوک شدند و به خیال اینکه داخل آن مواد جاسازی شده‌است، چسب را باز کردند، اما داخل یخچال با جسد دختر خردسالی که داخل نایلون و پتویی پیچیده شده‌بود، روبه‌رو شدند.

■ **دختر خوانده**

با کشف جسد دختر خردسال پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی وارد عمل شدند.

بررسی‌های میدانی مأموران پلیس نشان داد از دو ماه قبل زن جوان طلاق گرفته‌ای همراه دختر شش ساله‌اش به نام باران در خانه کامبیز زندگی می‌کنند و جسد کشف شده هم متعلق به باران است.

گفته‌های همسایه‌ها هم حکایت از آن داشت باران همیشه برای بازی با بچه‌های دیگر به کوچه می‌آمده، اما از ۱۵ روز قبل داخل کوچه دیده نشده‌است و این همان تاریخی بود که پزشکی قانونی احتمال داد وی بر اثر خفگی و فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌است.

■ **دست‌نوشته‌ای برای باران**

مأموران پلیس در تحقیقات بعدی دریافتند قاچاق‌فروش سابقه‌دار قرار بوده به زودی خانه استیجاری‌اش را تخلیه کند و صاحب‌خانه هم از وی شکایت کرده‌است، اما وی به دلیل اینکه جسد دختر خردسال را نتوانسته از خانه خارج کند، برای تخلیه خانه امروز و فردا می‌کرده‌است تا در فرصت مناسب جسد دخترخوانده‌اش را به بیرون منتقل و در مکان دفن کند.

کارآگاهان جنایی در بازرسی از خانه متهم با دست‌نوشته‌ای از مادر باران روبه‌رو شدند که وی در آن نوشته‌بود «نمی‌توانم دوری تو را تحمل کنم باران» تاریخ دست‌نوشته هم نشان می‌داد باران حدود ۱۵ روز قبل به قتل رسیده‌است.

بدین ترتیب، مأموران پلیس مادر باران و کامبیز را به عنوان متهمان به قتل تحت تعقیب قرار دادند، اما دریافتند آنها پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته‌اند. تلاش برای دستگیری دو متهم و بر ملا شدن راز قتل غم‌انگیز دختر خردسال ادامه داشت تا اینکه صبح روز چهارشنبه دوم آذر به مأموران پلیس خبر رسید کامبیز همراه مادر باران برای برداشتن وسیله‌ای به خانه‌شان رفته‌اند. با اعلام این خبر، کارآگاهان جنایی به سرعت به محل رفتند و دو متهم را قبل از فرار دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

■ **دفترچه خاطرات**

مأموران پلیس پس از دستگیری متهمان داخل کیف کامبیز دفترچه خاطرات وی را کشف کردند که در یکی از صفحه‌های آن با نوشته‌ای با این مضمون روبه‌رو شدند که کامبیز نوشته بود از کشتن باران به شدت پشیمان شده‌است.

متهمان در بازجویی‌های ابتدایی قتل باران را منکر شدند و اعلام کردند که خبر ندارند وی چگونه و به دست چه کسی به قتل رسیده‌است، اما در نهایت وقتی دو متهم با دست‌نوشته و دفترچه خاطرات خود روبه‌رو شدند، ادعای عجیبی را درباره قتل مطرح کردند.

زن جوان که در دست‌نوشته‌اش از دوری دخترش گریان و نالان بود، در ادعایی به قتل اعتراف کرد و گفت: «پس از اینکه از شوهرم جدا شدم، همراه دخترم در خانه کامبیز زندگی می‌کردم. باران همیشه بهانه می‌گرفت و من هم که مشکلات خانوادگی زیادی داشتم تاب و تحمل بهانه‌گیری‌های باران را نداشتم و به همین‌خاطر گاهی او را کتک می‌زدم. روز حادثه او بهانه‌گیری می‌کرد و من هم عصبانی شدم و کنترلم را از دست دادم و گلویش را فشار دادم و نفهمیدم دخترم را چگونه به قتل رساندم. پس از حادثه با کامبیز جسد را داخل یخچال جاسازی کردیم تا در فرصت مناسب از خانه بیرون ببریم و در مکانی دفن کنیم، اما مأموران پلیس فرصت را از ما گرفتند و جسد داخل یخچال کشف شد.»

■ **ادعایی عجیب**

کامبیز که در دفترچه خاطراتش به قتل اعتراف کرده‌بود، قتل را منکر شد و در ادعایی عجیب گفت: «چند روز قبل از حادثه دوستانم به من خبر دادند که مأموران پلیس درباره من تحقیق می‌کنند و آنها متوجه شده‌اند که من در خانه‌ام موادمخدر نگهداری می‌کنم و می‌فروشم.

من می‌دانستم مرا لو داده‌اند و به زودی مأموران پلیس به خانه‌ام می‌ریزند و مرا دستگیر می‌کنند، به همین‌خاطر تصمیم گرفتم همراه مادر باران برای مدتی خانه را ترک کنم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد و دوباره به خانه برگردم. من و مادر باران از خانه فرار کردیم، اما باران در خانه ماند.

من احتمال می‌دهم رقیبان قاچاق‌فروشم باران را به قتل رسانده‌اند. چون من مدتی است با آنها اختلاف دارم و مطمئن هستم آنها مرا به پلیس لو داده‌اند.» دو متهم در ادامه برای بازجویی‌های فنی و برملا شدن زوایایی پنهان این حادثه به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

یادداشت

حسین فصیحی

از دست رفتن امنیت روانی در سایه اغتشاشات

افزایش جرائم، همزمان با افروخته‌شدن آتش اغتشاش‌ها در کشور یک دلیل روشن دارد و آن باز شدن عرصه برای ارتکاب جرم است. هر جا پای پلیس در میان نباشد، مجرمان مجال لازم را برای ارتکاب جرم پیدا خواهند کرد. مجال لازم در آشوب‌های صورت گرفته برای ارتکاب جرائم فراهم‌شده و مجرمان با اطمینان از اینکه پلیس در مواقع اضطرار برای مدیریت آشوب‌ها در خیابان‌ها به صف می‌شوند، نقشه‌های خود را عملی می‌کنند. مثل دو سارقی که برای مدتی خانه‌های خیابان پاتریس لومبومبا را خالی می‌کردند. مهرماه امسال شکایت‌هایی که به کلانتری ۱۳۷ کوی نصر رسیده‌بود، نشان می‌داد همه سرقت‌ها در اوج اغتشاش‌ها صورت گرفته‌است، درست زمانی که مأموران پلیس برای مدیریت آشوب‌ها در خیابان حاضر می‌شوند. دو متهم وقتی در جریان تحقیقات بعدی پلیس بازداشت شدند به این موضوع اعتراف کردند. آنها گفتند وقتی اغتشاش‌ها شروع شد، ما تصمیم به سرقت گرفتیم. نقشه‌مان را طوری طراحی کرده‌بودیم که وقتی اغتشاش‌ها به اوج خود می‌رسد، به دزدی برویم، چون می‌دانستیم مأموران پلیس در آن زمان مأموریت دارند در خیابان‌ها حاضر باشند، بنابراین ما هم با خیال راحت به دزدی می‌رفتیم. رویه‌ای که این دو سارق در پیش گرفته بودند، فقط همان دو نفر را شامل نشد، بلکه روشنایی آتش آشوب جمعیت آماری سارقان را برای رسیدن به اهدافشان به صف کرد. در کنار حضور میدانی پلیس و فراهم شدن مجال مناسب برای سرقت، نبود ساکنان خانه‌ها هم فرصتی مناسب در اختیار سارقان قرار داد. در شب‌هایی که آتش اغتشاش‌ها شعله‌ور می‌شود، بسیاری از اعضای خانواده یا کف خیابان‌ها حاضر می‌شوند یا برای امنیت بیشتر به خانه بستگانشان می‌روند. در هر دو صورت شمار خانه‌های خالی در این زمان‌ها افزایش پیدا می‌کند و سارقان که همیشه به دنبال پیدا کردن چنین فرصت‌هایی هستند، نقشه‌های سرقت‌شان را به راحتی عملی می‌کنند. خیلی از سارقان اما با آشوبگران همراه می‌شود، اما آنها در میان شعله‌آتش‌های برافروخته‌شده به دنبال فرصتی برای سرقت هستند. در چنین شرایطی به راحتی می‌شود شیشه خودروهای پارک‌شده را شکست و محتویات داخل خودرو را سرقت کرد و از میدان آشوب بیرون رفت. بسیاری از کالاهای داخل مغازه‌ها، فروشگاه‌ها یا اموال عمومی در سایه همین آشوب‌ها به دست سارقانی که در آتش آشوب به خیابان‌ها آمده‌اند، غارت می‌شود. در سایه آشوب‌های صورت گرفته دو نگرانی عمده جامعه را فرا گرفته‌است؛ نگرانی درباره از دست رفتن امنیت روانی ناشی از آشوب‌ها و نگرانی افزایش جرائم، نگرانی که با دامنه‌دار شدن آشوب‌ها بر دامنه آن اضافه خواهد شد و دود آن به چشم همه خواهد رفت.

اعضای بدن مدافع امنیت به بیماران نیازمند اهدا شد

اعضای بدن یکی از مدافعان امنیت که در جریان ناآرامی‌های کردستان به شهادت رسید، به بیماران نیازمند اهدا شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ تورج اردلان از مأموران پلیس شهرستان بانه بود که پنجم آبان ماه در جریان آشوب‌های صورت گرفته و پرتاب بمب‌های دست ساز و اصابت سنگ از سوی اغتشاشگران مجروح و به بیمارستان منتقل شد. بعد از آن بود که تلاش‌های پزشکان برای نجات مأمور پلیس به جریان افتاد، اما تلاش‌ها در این‌باره ثمری نداشت و او روز گذشته روی تخت بیمارستان به شهادت رسید. براساس این گزارش با موافقت خانواده این مدافع امنیت اعضای بدنش به ۱۱ بیمار نیازمند اهدا شد. از شهید مدافع امنیت دو فرزند ۱۳ و ۱۸ ساله به یادگار مانده‌است.

قتل همسر با ضربات چکش

مردی که متهم است با ضربات چکش همسرش را به قتل رسانده، خودش را تسلیم پلیس تهران کرد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۱:۱۲ قبل از ظهر دیروز چهارشنبه، دوم آذر مردی به کلانتری یافت‌آباد رفت و گفت همسرش را در خانه‌شان به قتل رسانده‌است. با طرح این ادعا تیمی از مأموران پلیس، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی همراه قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران و متهم راهی محل حائه شدند. تیم جنایی در خانه متهم با جسد همسر ۵۲ ساله وی روبه‌رو شدند که با اصابت جسم سختی به سرش به قتل رسیده‌بود. متهم درباره حادثه گفت: «چند سالی است با همسرم اختلاف دارم و به همین خاطر گاهی با هم مشاجره لفظی و درگیری فیزیکی داشتیم. امروز صبح دوباره ما با هم مشاجره کردیم و وقتی درگیری ما بالا گرفت، من با چکشی که در خانه داشتیم، چند ضربه به سر همسرم زدم. او خونین روی زمین افتاد و من هم فهمیدم فوت کرده‌است. همان لحظه به شدت پشیمان شدم، اما فایده‌ای نداشت و کاری از دستم ساخته نبود. عذاب وجدان از همان لحظه به سراغم آمد و بعد تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و راز قتل همسرم را بر ملا کنم.» همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، متهم برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایایی پنهان حادثه به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

پشیمانی دیرهنگام از ارتکاب قتل

■ فاطمه صبور

مرد بدگمان که به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد، در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد و گفت از کاری که کرده پشیمان است.

بهمن ماه سال ۹۹، مردی به اداره پلیس پاکدشت رفت و به مأموران گفت همسر ۲۵ ساله‌اش به نام سارا مفقود شده و از او بی‌خبر است. او در توضیح بیشتر گفت: «امروز صبح همسرم برای خرید بیرون رفت. بعد از او، من هم به محل کار رفتم. بعد از ساعتی هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، پاسخی نشنیدم. فکر کردم مشغول کار است و عصر که به خانه برگشتم، او را می‌بینم، ولی بعد از تمام‌شدن کار وقتی به خانه رفتم کسی در خانه نبود. همان موقع دوباره با تلفن همراهش تماس گرفتم، که پاسخی نشنیدم. تصمیم گرفتم به پلیس خبر بدهم تا هر چه زودتر سارا پیدا شود.»

با اعلام این مفقودی، تلاش برای یافتن آن زن به جریان افتاد که این بار شوهر آن زن به نام پیام به پلیس آگاهی رفت و دست‌نوشته‌ای از همسرش به کارآگاهان تحویل داد که نشان می‌داد آن زن قصد خودکشی داشته است. پیام به مأموران گفت: «من و همسرم پنج سال قبل با هم ازدواج کردیم و در این مدت اختلافی نداشتیم. امروز وقتی این دستخط را پیدا کردم، شوکه شدم. سارا نوشته بود که قصد خودکشی دارد. آن را به اداره پلیس آورده‌ام شاید سرنخی باشد که به پیدا شدن سارا کمک کند.»

بعد از تحویل این نامه، کارآگاهان در روند تحقیقات خود با توجه به شواهد و قرائن موجود به شوهر آن زن مظنون شدند و وی را مورد تحقیق قرار دادند، اما آن مرد اظهارات متناقضی را مطرح کرد و سعی داشت به پلیس بگوید از همسرش بی‌اطلاع است، اما چند روز بعد پرده از حقیقت برداشت و به قتل همسرش اعتراف کرد. او در روند بازجویی‌ها مدعی شد همسرش را به خاطر خیانت کشته و جسدش را بعد از مثله کردن در بیابان‌های سمنان رها کرده‌است. با کشف بقایای جسد، پیام راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. پرونده بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی رضایی، اولیای‌دم به جایگاه رفتند و درخواست قصاص کردند. متهم به دستور ریاست دادگاه به طرف جایگاه رفت و بعد از تفهیم اتهام از سوی ریاست دادگاه با قبول جرمش در شرح ماجرا گفت: «من و همسرم از همان ابتدای زندگی مشترک با هم مشکل داشتیم و این اختلاف با به دنیا آمدن دخترمان، شدیدتر هم شد.»

متهم در ادامه گفت: «همسرم همیشه به من بی‌توجه بود. این رفتارش باعث شده‌بود به او شک کنم و فکر کنم به من خیانت می‌کند. چند بار با او صحبت کردم، اما او اعتنایی نمی‌کرد و می‌گفت اشتباه می‌کنم. او اهمیتی نمی‌داد، ولی فکر خیانت همسرم یک لحظه هم مرا رها نمی‌کرد. شب حادثه دخترم که چهار سال داشت، به اتاقش رفت و خوابید. پیش همسرم رفتم و دوباره حرف از رفتارهای او شد که این بار با عصبانیت جوابم را داد. این رفتار مرا عصبانی کرد و خون مقابل چشمانم را گرفت. اصلاً نفهمیدم چطور دستانم را دور گردنش انداختم و او را خفه کردم.»

متهم درباره مثله کردن جسد همسرش نیز گفت: «به خودم آمدم که فهمیدم او نفس نمی‌کشد. نمی‌دانستم با جسد چکار کنم. به سرم زد آن را از خانه بیرون ببرم، اما توان آن را نداشتم برای همین جسد را مثله کردم و آن را با خودروام به بیابان‌های اطراف سمنان بردم و رها کردم. برای گمراه کردن پلیس خودم اعلام مفقودی کردم، سپس به فکرم رسید نامه‌ای دستنویس بنویسم تا با نشاندن آن پلیس فکر کند که همسرم خودکشی کرده‌است.»

او در آخرین دفاعش گفت: «می‌دانم دیر است، اما اشتباه کردم. از خانواده همسرم شرمنده‌ام و می‌خواهم مرا ببخشند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

سرقت خودروهای مدل بالا با جرثقیل

سارق حرفه‌ای که با جرثقیل خودروهای مدل بالا را سرقت می‌کرد، به همراه مالخر بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ عبدالرضا محمدی، سرپرست سرکلانتری دوم پلیس پیشگیری گفت: چند روز قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت خودروهای مدل بالا به مأموران کلانتری شهرک غرب گزارش شد. بررسی‌های پلیس در این باره به جریان افتاد و مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند که همه خودروها با جرثقیل سرقت شده‌است. بعد از به دست آمدن این سرنخ بود که مأموران موفق شدند راننده جرثقیل را شناسایی و روز گذشته او را بازداشت کنند. متهم ۳۲ ساله در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. او گفت از مدتی قبل تصمیم گرفتم به این شیوه سرقت کنم. در این شیوه کسی به من مظنون نمی‌شد برای همین در کمال آرامش سوژه‌های مورد نظرم را که خودروهای مدل بالا بود، شناسایی و آن را سرقت می‌کردم. خودروهای سرقت شده را هم به مالخری که از قبل می‌شناختم، می‌فروختم تا اینکه بازداشت شدم. سرهنگ عبدالرضا محمدی، سرپرست سرکلانتری دوم پلیس پیشگیری با بیان اینکه متهم تاکنون به شش فقره سرقت اعتراف کرده‌است، گفت که همدست وی هم بازداشت‌شده و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها جریان دارد.

کلاهبرداری با پیامک «پرونده اغتشاشات»!

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ درباره کلاهبرداری به شیوه ارسال پیامک «پرونده اغتشاشات» هشدار داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ داوود معظمی گودرزی گفت: از چند روز گذشته شاهد ارسال پیامک‌هایی از سوی مجرمان سایبری با عنوان «پرونده اغتشاشات شما در سایت زیر» هستیم که این پیامک‌ها برای کلاهبرداری است.

وی ادامه داد: کلاهبرداران با ساخت آدرس اینترنتی پیامکی با محتوای «پرونده اغتشاشات شما در سایت زیر» برای شهروندان ارسال می‌کنند و زمانی که کاربران روی لینک مورد نظر کلیک کنند، هدف کلاهبرداری قرار خواهند گرفت.

سرهنگ گودرزی گفت: لینک معرفی‌شده در این پیامک‌ها حاوی یک بدافزار است و مجرمان اینترنتی با این شگرد مجرمانه، اطلاعات کارت بانکی متقاضیان را به سرقت برده و موجودی حسابشان را برداشت می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه ارسال‌کنندگان لینک‌های جعلی هدفی جز سرقت اطلاعات بانکی شهروندان ندارند، ادامه داد: پلیس فتا تأکید می‌کند هیچ سازمان رسمی و حاکمیتی با شماره‌های شخصی برای شهروندان پیامک ارسال نخواهد کرد. شهروندان قبل از اینکه لینکی را باز کنند، لحظه‌ای صبر و در ادامه حتماً محتوای آن را مطالعه کنند که روی لینک‌های جعلی تحت عنوان سامانه ثبت ثنا، سهام عدالت و هدفمندی یارانه‌ها وارد نشوند. اگر شهروندان در این رابطه دقت داشته باشند، حجم زیادی از پرونده‌ها کاهش پیدا می‌کند.

سرهنگ داوود معظمی گودرزی با بیان اینکه راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای مجرمان ارسال لینک به تلفن همراه است، به شهروندان توصیه کرد: باید برای پیشگیری از برداشت‌های غیرمجاز ضمن افزایش سطح آگاهی و سواد رسانه‌ای خود فریب پیامک‌های دریافتی از منابع نامعتبر را نخورند و از باز کردن لینک‌های ارائه شده از سوی افراد ناشناس به صورت پیامکی یا در شبکه‌های اجتماعی خودداری کنند.

کشف اسلحه از شرور حسن آباد

فرمانده انتظامی شهرستان ری از کشف یک قبضه اسلحه جنگی کلت از شرور حسن آباد خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ دوستعلی جلیلیان گفت: مأموران عملیات کلانتری ۱۷۶ حسن‌آباد در جریان تحقیقات خود متوجه شدند یکی از اوباش سطح دار محدوده «حسن آباد» با خود سلاح حمل می‌کند که وی را بازداشت و در بازسی از او کلت جنگی به همراه دو قبضه خشاب و ۱۹ تیر جنگی کشف کردند. تحقیقات از متهم در پلیس امنیت جریان دارد.

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی پژوپارس نقره‌ای مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۱۷۷د۱۴۴ ایران ۶۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۲۸۲۰۸ و شماره شاسی ۱۹۳۰۷۰۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ آریان به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۰۸۸۵۵ و شماره شاسی NAAP۴۱FD۷BJ۳۲۲۱۷۵ و شماره پلاک ۱۵۱ط۴۹ ایران ۷۷ به نام ناصر افشاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. الف ل

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری هاچ‌بک MVM X۲۲-AT به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۳۸-۹۷۴و۲۸ و شماره شاسی NATFBABW۰J۱۰۰۸۲۴۳ و شماره موتور MVMD۴G۱۵BAGJ۰۰۸۴۹۹ متعلق به آزیتا افشار با کدملی ۴۹۱۰۶۶۸۷۴۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پراید به شماره انتظامی ایران ۱۵ - ۲۹۲ن ۹۳ به شماره موتور ۰۰۵۵۴۶۰۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۱۱۶۹۰۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز